

A Systematic Review of Iranian University Rankings: Challenges, Shortcomings, and Pathways for Institutional Reconstruction in Higher Education

Article Type: Research

Amir Akbari Sarcheghaei 

Jamal Salimi *

Ali Aminibagh 

Ph.D. Student in Higher Education Development Planning, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

Email: a.akbarisarcheghaei@uok.ac.ir

Corresponding Author:

Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

E-mail: j.salimi@uok.ac.ir

Ph.D. Student in Higher Education Development Planning, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

Email: aliamini7401@gmail.com

Abstract

Objective: The purpose of this research was to conduct a systematic review of studies on university rankings in Iran's higher education to provide an overview of the challenges faced by Iranian universities in international academic ranking systems and propose strategies for improving and enhancing the position and ranking of these universities.

Method: The research was conducted using a qualitative method of systematic review. Relevant research articles were collected through electronic searches. The process of identification, screening, eligibility, and inclusion of the sample for study was carried out through the PRISMA protocol. In the conducted searches, 35 studies were identified for systematic review, and after removing duplicates and the performed screenings, a final total of 35 research studies that meet the inclusion criteria were analyzed.

Results: In the analysis of the challenges faced by Iranian universities in international rankings, the findings showed that the challenges in ranking Iranian universities are categorized into 6 areas: incompatibility of ranking systems with the local conditions of Iran, weaknesses of Iranian universities in online publishing, problems related to indicators, structural problems, documentation, and university responsibilities. Furthermore, the proposed strategies are collected into 4 categories: education and research, structural and organizational aspects, scientific documentation, and webometrics.

Conclusion: The Result of this study indicate that improving the position of Iranian universities in global ranking systems is not merely a numerical goal, but a natural consequence of institutional, cultural, and social reconstruction.

Keywords: Iranian University, Global Ranking, Institutional Challenges, Scientific Documentation, Webometrics, University Autonomy, Social Mission

مرور نظام‌مند آیین رتبه‌بندی دانشگاه‌های ایران: چالش‌ها، کاستی‌ها و مسیرهای بازسازی نهادی در آموزش عالی

نوع مقاله: پژوهشی

دانشجوی دکتری رشته برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: a.akbarisarcheghaei@uok.ac.ir

امیر اکبری سرچقائی 

نویسنده مسئول:

دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: j.salimi@uok.ac.ir

جمال سلیمی 

دانشجوی دکتری رشته برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: aliamini7401@gmail.com

علی امینی باغ 

چکیده

هدف: در جهان امروز، رتبه‌بندی دانشگاه‌ها بیش از یک عدد ساده، آیینی‌ای از جایگاه علمی، فرهنگی و اجتماعی هر کشور است. دانشگاه ایرانی، با تاریخ طولانی و رسالت‌های اجتماعی پیچیده، در مواجهه با معیارهای جهانی با چالش‌های ساختاری و فرهنگی روبه‌روست. این مقاله با نگاهی تحلیلی و نظام‌مند، این چالش‌ها و راهکارهای ارتقای جایگاه دانشگاه‌های ایران را بررسی می‌کند. هدف، ارائه تصویری روشن و راهبردی برای بازسازی نهادی و فرهنگی دانشگاه و ارتقای اثرگذاری علمی و اجتماعی آن است. از این‌رو، هدف از این پژوهش، مرور نظام‌مند مطالعات انجام‌شده پیرامون رتبه‌بندی‌های دانشگاهی در آموزش عالی ایران و ارائه تصویری جامع از چشم‌انداز پژوهشی در این حوزه است تا با تحلیل و سنتز پژوهش‌های انجام‌شده داخلی، چالش‌های دانشگاه‌های ایرانی در نظام‌های رتبه‌بندی آکادمیک بین‌المللی و نیز راهکارهای بهبود و ارتقاء جایگاه و رتبه دانشگاه‌ها شناسایی و دسته‌بندی گردد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد دانشگاه‌های ایران با مجموعه‌ای از محدودیت‌های ساختاری، فرهنگی و نهادی مواجه‌اند که جایگاه آن‌ها را در نظام‌های رتبه‌بندی تضعیف می‌کند. مهم‌ترین چالش‌ها عبارت‌اند از: ناسازگاری نظام‌های رتبه‌بندی با شرایط بومی، ضعف در انتشار دیجیتال، تمرکز بر شاخص‌های کمی، ساختارهای بوروکراتیک ناکارآمد، مستندسازی ضعیف و ابهام در تعریف وظایف اجتماعی دانشگاه. در پاسخ به این چالش‌ها، مقاله راهکارهایی را بر اساس تحلیل‌های جامعه‌شناسانه و نظریه‌های مدیریت آموزش عالی ارائه می‌دهد؛ از جمله بازاندیشی در آموزش و پژوهش، اصلاح ساختار و استقلال نهادی، ایجاد حافظه سازمانی از طریق مستندسازی شفاف، حضور فعال در فضای دیجیتال و بازتعریف رسالت اجتماعی دانشگاه. همچنین ۱۰ پیشنهاد کاربردی برای عملیاتی‌سازی این راهکارها ارائه شده است که شامل تقویت آزادی آکادمیک، تمرکز بر کیفیت پژوهش، توسعه همکاری‌های بین‌المللی و تربیت سرمایه انسانی مسئول و خلاق است.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد ارتقای جایگاه دانشگاه‌های ایرانی در نظام‌های رتبه‌بندی نه یک هدف صرفاً عددی، بلکه پیامدی طبیعی از بازسازی نهادی، فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌هاست. دانشگاهی که خود را در تعامل سازنده با جامعه و جهان بازسازی کند، هم در عرصه جهانی اعتبار علمی خواهد یافت و هم در حافظه تاریخی و فرهنگی کشور ماندگار خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: دانشگاه ایرانی، رتبه‌بندی جهانی، چالش‌های نهادی، مستندسازی علمی، وبومتریک، استقلال دانشگاهی، رسالت

اجتماعی

مقدمه و بیان مسئله

دانشگاه در جهان معاصر دیگر نهادی صرفاً آموزشی و پژوهشی نیست، بلکه بازیگری اجتماعی و فرهنگی است که در دل میدان رقابتی گسترده و پر چالش ملی و جهانی حضور دارد. این میدان، فضایی است که در آن دانشگاه‌ها برای جذب دانشجو و استاد، برای جلب منابع مالی و غیرمالی، برای برخورداری از حمایت‌های اجتماعی و نیز برای ارتقای منزلت خویش به رقابت برمی‌خیزند. در دهه‌های اخیر این رقابت شدت بیشتری یافته و صورت‌بندی‌های متفاوتی در نقاط مختلف جهان پیدا کرده است (Gheitasi., Ghaderi, & Bolandhematan, 2021). افزایش ملاحظات مبتنی بر بازار در آموزش عالی و گسترش پژوهش‌های بین‌المللی سبب شده است که دولت‌ها، دانشگاه‌ها و حتی دانشجویان بیش از پیش در جستجوی شناخت جایگاه خود در قیاس با سایر مؤسسات آموزشی باشند. آموزش عالی در جهان امروز نه تنها یکی از ابزارهای رقابت بین‌المللی است بلکه در حکم فرصتی ملی برای توسعه به شمار می‌آید (salami., & abdi, 2017). کیفیت این آموزش عالی شاخصی حیاتی است و از همین رو کشورها تلاش می‌کنند با توسعه دانشگاه‌هایی هم‌تراز با دانشگاه‌های جهانی به رقابت در این عرصه بپردازند و سیاست‌های مختلفی برای ارتقای جایگاه دانشگاه‌های خود اتخاذ می‌کنند (Rigi., Azizi & Pourghaz, 2021).

جامعه‌های دانش‌بنیان امروز دانش را سرمایه‌ای حیاتی می‌دانند؛ سرمایه‌ای که نه تنها مزیت رقابتی پدید می‌آورد بلکه آن را حفظ و بازتولید نیز می‌کند. دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادهای دانشی، نه فقط خاستگاه خلق دانش بلکه بازیگران اصلی میدان رقابت برای جذب منابع مالی، تجهیزات، بودجه‌های پژوهشی و دانشمندان و دانشجویان برترند. بدین ترتیب عامل اصلی رقابت امروز دانشگاه‌ها، تولید دانش و بهره‌مندی از منافع مادی و اجتماعی آن است. این امر ضرورت آگاهی از جایگاه دانشگاه‌ها در عرصه‌های مختلف آموزشی، پژوهشی، ارتباط با صنعت و همکاری‌های علمی بین‌المللی را آشکار می‌سازد. نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاهی در جهان دقیقاً با همین هدف طراحی و گسترش یافته‌اند (Moshtagh, 2021). رتبه‌بندی دانشگاهی در حقیقت ابزاری برای تعیین جایگاه مؤسسات آموزش عالی است که طی زمان دچار تحولات فراوانی شده است. اهمیت این ارزیابی‌ها تا آنجاست که برخی صاحب‌نظران آن را ضامن بقای دانشگاه‌ها دانسته‌اند. رتبه‌بندی‌ها نه تنها مردم را از کیفیت و عملکرد دانشگاه‌ها آگاه می‌کنند، بلکه خود به‌طور مستقیم موجب شکل‌گیری رقابت میان دانشگاه‌ها می‌شوند. در بسیاری کشورها، سیاست‌گذاران آموزش عالی نیز برای برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و تخصیص بودجه به نتایج رتبه‌بندی‌ها استناد می‌کنند (Rahimi., Aminbeidokhti & Zare Banadkouki, 2023).

رتبه‌بندی در تعریف دقیق خود یعنی سنجش جایگاه یک مؤسسه در قیاس با دیگر مؤسسات بر اساس مجموعه‌ای از معیارها و شاخص‌های ترکیبی و سپس عرضه فهرستی از دانشگاه‌ها به‌صورت سلسله‌مراتبی. این رتبه‌بندی‌ها ممکن است در سطح جهانی یا ملی باشند و از نظر پوشش موضوعی نیز یا کل دانشگاه را دربرگیرند یا یک حوزه علمی مشخص همچون علوم طبیعی، مهندسی، علوم اجتماعی یا پزشکی را (Gheitasi., Ghaderi, & Bolandhematan, 2021). آغاز قرن بیست و یکم هم‌زمان با دگرگونی‌های بنیادین در آموزش عالی بسیاری کشورها بود. تجاری‌سازی، بین‌المللی شدن آموزش عالی و افزایش تقاضای اجتماعی برای تحصیلات دانشگاهی زمینه‌ساز نگرانی‌هایی جدی در باب کیفیت آموزش عالی شدند (Aminibagh., & Salimi, 2025). این تحولات به تدریج به برجسته شدن مفهوم «کیفیت» در آموزش عالی و ضرورت ارزیابی آن از طریق نظام‌های رتبه‌بندی آکادمیک انجامید و به یک توافق جهانی درباره سنجش کیفیت علمی دانشگاه‌ها منتهی شد (Moradian., Erfanmanesh & Asnafi, 2017). ولاسین و همکاران (۲۰۰۴) رتبه‌بندی را فرآیندی می‌دانند که با رویکردی مقایسه‌ای و مبتنی بر شاخص‌های مشخص جایگاه دانشگاه‌ها را در سطح ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی تعیین می‌کند. اگرچه نخستین گرایش‌ها به رتبه‌بندی محدود به چند کشور بود اما گسترش اقتصادی و فناوری و تحرک روزافزون دانشجویان سبب شد که این رتبه‌بندی‌ها به سطح بین‌المللی گسترش یابد (Heidari., Izadi & Salehi Omran, 2017). اولین رتبه‌بندی جهانی دانشگاه‌ها را

دانشگاه شانگهای جیاتونگ در سال ۲۰۰۳ ارائه کرد و اندکی بعد در ۲۰۰۴، مجله تایمز نیز رتبه‌بندی جهانی خود را منتشر نمود. اگرچه این رتبه‌بندی دوم پدید آمد، اما اهمیت آن در این بود که برای نخستین بار ارزیابی‌های جهانی بر مبنای دیدگاه دانشگاهیان سراسر جهان و ظرفیت‌های آموزش و پژوهش طراحی شد

(Mohammadi., & Eshaghi, 2024:38)

سیر تحول رتبه‌بندی‌ها در سه مرحله یا نسل عمده توضیح داده می‌شود: نخست، جداول ابتدایی که بیشتر کار روزنامه‌نگاران بود و افکار عمومی را هدف می‌گرفت؛ دوم، نظام‌های منسجم‌تر مبتنی بر داده‌های رسمی و مدیریتی؛ و سوم، تکرر رتبه‌بندی‌ها در محیط‌های شبه بازاری با شاخه‌های تخصصی‌تر. هر یک از این مراحل با مقاومت‌ها و نقدهایی از سوی دانشگاه‌ها و نهادهای آموزش عالی همراه بوده است (Mohammadi., & Eshaghi, 2024). با وجود همه این تحولات، نظام‌های رتبه‌بندی همچنان بر شاخص‌هایی تکیه دارند که به‌طور مستقیم قابل‌سنجش نیستند. برای نمونه کیفیت تدریس یا یادگیری را نمی‌توان با یک معیار واحد اندازه‌گیری و ناگزیر از شاخص‌های جایگزین استفاده می‌شود. هر شاخص وزنی در امتیاز کل دارد و معمولاً پژوهش بیشترین وزن را به خود اختصاص می‌دهد. این امر گاه باعث می‌شود دانشگاه‌های نوپا یا کشورهای در حال توسعه در رتبه‌بندی‌ها جایگاه مناسبی نیابند. از سوی دیگر، برخی شاخص‌ها به دلیل هم‌پوشانی یا هم‌گرایی اندک، تصویری کامل از دانشگاه به دست نمی‌دهند (Mohammadi., & Eshaghi, 2024). نقدهای جدی بر رتبه‌بندی‌ها وارد است. برخی منتقدان معتقدند که این نظام‌ها دانشگاه‌ها را به بنگاه‌هایی درگیر مسابقه تبدیل می‌کنند و بر استقلال علمی آنان فشار وارد می‌آورند. باین حال نمی‌توان انکار کرد که رتبه‌بندی‌ها اکنون به بخشی جدایی‌ناپذیر از فضای آموزش عالی تبدیل شده‌اند و توجه به آن‌ها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (Mohammadi., & Eshaghi, 2024).

اما جایگاه دانشگاه‌های ایرانی در این میان تصویری دوگانه دارد. برخی دانشگاه‌ها در سال‌های اخیر پیشرفت‌هایی نشان داده‌اند، اما به‌طور کلی جایگاه ایران در قیاس با دانشگاه‌های برتر جهان مطلوب نیست. در رتبه‌بندی کیو-اس ۲۰۲۵ تنها ۹ دانشگاه ایرانی حضور دارند و بهترین رتبه، ۳۴۲، به دانشگاه صنعتی شریف تعلق دارد. این وضعیت سبب شده است سیاست‌گذاران داخلی نیز به ضرورت ارتقای جایگاه دانشگاه‌های ایرانی پی ببرند. به‌عنوان نمونه مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام (ISC) اخیراً نظام رتبه‌بندی ملی دانشگاه‌های ایران را بازتعریف و روش‌شناسی جدیدی برای آن تدوین کرده است که در شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم تصویب شده است. با این حال پرسش اساسی همچنان باقی است: چرا با وجود چنین نظام ملی و فرصت پیش‌آزمون برای دانشگاه‌ها، هنوز جایگاه جهانی دانشگاه‌های ایران ارتقای چشمگیری نیافته است؟ چرا فقط نام چند دانشگاه معتبر ایرانی در این فهرست‌ها دیده می‌شود و بسیاری دیگر غایب یا کم اثرند؟ بی‌تردید پیامدهای این وضعیت بسیار است: کاهش جذابیت دانشگاه‌ها برای استادان و دانشجویان، محدود شدن همکاری‌های بین‌المللی، تضعیف اعتماد عمومی و در نهایت هدر رفت منابع علمی و مالی. از این‌رو شناخت دقیق چالش‌هایی که دانشگاه‌های ایران در رتبه‌بندی‌های آکادمیک با آن مواجه‌اند و یافتن راهکارهایی برای بهبود جایگاه آنان ضرورتی حیاتی است.

بر همین اساس، پژوهش حاضر در پی آن است که با مرور نظام‌مند مطالعات موجود، پاسخی به دو پرسش کلیدی ارائه ده:

۱- دانشگاه‌های ایرانی در رتبه‌بندی‌های آکادمیک با چه چالش‌هایی مواجه‌اند؟

۲- راهکارهای ارتقای رتبه و جایگاه دانشگاه‌های ایرانی در این رتبه‌بندی‌ها کدام است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و به روش مرور نظام‌مند طراحی و اجرا شده است. این مطالعه مطابق با دستورالعمل مطالعات مرور نظام‌مند پریزما انجام گردید.

جامعه و نمونه پژوهش

جامعه پژوهش شامل تمامی پژوهش‌های کمی و کیفی در قالب مقاله، کتاب و پایان‌نامه در حوزه رتبه‌بندی آکادمیک دانشگاه‌ها در ایران طی بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۳ بود. در مجموع ۳۵ پژوهش شناسایی شد. سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، تعداد ۲۵ پژوهش که به چالش‌های دانشگاه‌های ایرانی در رتبه‌بندی‌های بین‌المللی و نیز راهکارهای ارتقای رتبه آن‌ها پرداخته بودند، به‌عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها

برای گردآوری داده‌ها از دو ابزار یعنی چک‌لیست ارزیابی کیفیت پژوهش‌ها بر اساس بیانیه پریزما و چک‌لیست استخراج داده‌ها از پژوهش‌های پذیرفته‌شده استفاده به عمل آمد. همچنین مقالات و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع رتبه‌بندی دانشگاه‌های ایرانی با استفاده از کلیدواژه‌های «رتبه‌بندی دانشگاهی»، «آموزش عالی» و «رتبه‌بندی دانشگاه‌های ایرانی» جستجو شدند. پایگاه‌های اطلاعاتی مورد استفاده عبارت بودند از: مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پورتال جامع علوم انسانی، پایگاه نورمگز و مگیران.

معیارهای ورود به مطالعه

- پژوهش‌های کمی و کیفی با موضوع دانشگاه‌های ایرانی در رتبه‌بندی‌های بین‌المللی؛
- پژوهش‌های داخلی منتشرشده در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۳؛
- پژوهش‌های منتشرشده به زبان فارسی؛
- پژوهش‌های ارائه‌شده در قالب مقاله یا پایان‌نامه؛
- مقالات علمی - پژوهشی با متن کامل و قابل دریافت؛
- چکیده‌هایی که داده‌های کامل و قابل استفاده در اختیار قرار می‌دادند.

فرایند انتخاب و غربالگری

۱. در گام نخست، تمامی مطالعات مرتبط بر اساس کلیدواژه‌ها از پایگاه‌های اطلاعاتی انتخاب شدند.

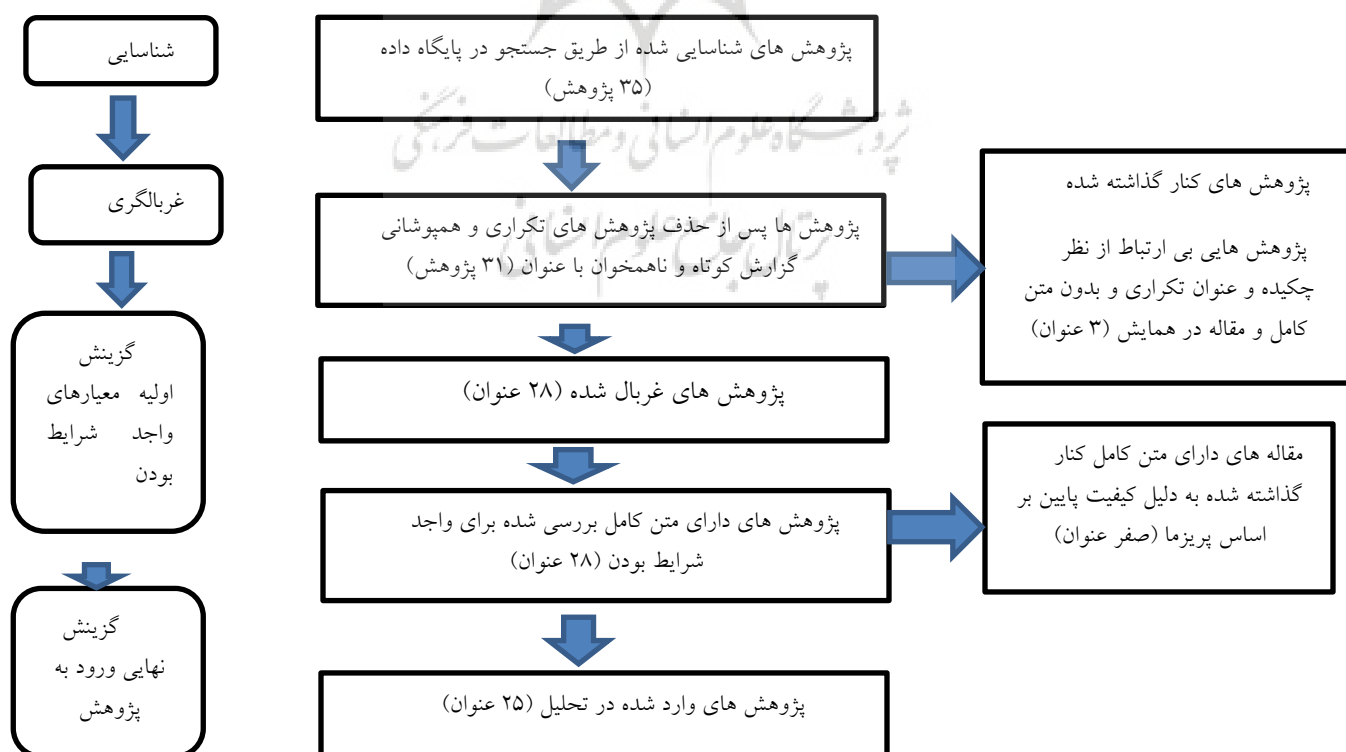
۲. پژوهش‌هایی که در عنوان و چکیده آن‌ها به موضوع تحقیق اشاره داشت، وارد فهرست اولیه شد و سایر موارد حذف گردید.
۳. پژوهش‌های باقی‌مانده وارد مرحله غربالگری شدند. معیار غربالگری شامل ارتباط مستقیم با موضوع و اهداف مطالعه در عنوان و چکیده و حذف پژوهش‌های غیر مرتبط و تکراری بود.
۴. بررسی کیفی پژوهش‌ها از نظر روش اجرا و گزارش دهی بر اساس بیانیه پریزما انجام گرفت.

بیانیه پریزما

بیانیه پریزما ابزاری استاندارد برای مرور نظام‌مند است که شامل یک چک‌لیست ۲۷ آیتمی می‌باشد. هر آیتم دارای سه گزینه است: «قابل اجرا نیست»، «گزارش نشده است» و «گزارش شده است». این آیتم‌ها به بررسی و ارزیابی جنبه‌های مختلف مقاله شامل نگارش عنوان، چکیده، روش‌ها، نتایج، بحث و منابع مالی اختصاص داده شده می‌پردازند (Ebrahimi, 2021). در پژوهش حاضر در قالب بیانیه پریزما، ابتدا عنوان پژوهش و سپس چکیده و مقدمه به لحاظ ارتباط با موضوع و امکان پاسخگویی به سوالات پژوهش و منطقی بودن اعمال گردید و در این راستا، مقالات نامرتب، تکراری و ناهمخوان، گزارش‌های کوتاه یا کم کیفیت حذف و در نهایت ۲۵ پژوهش وارد تحلیل شد.

روش تحلیل داده‌ها

پس از انتخاب مطالعات نهایی، داده‌ها شامل نام و نام خانوادگی نویسندگان، سال انتشار، عنوان و نتایج استخراج شدند. سپس داده‌ها با استفاده از روش فرا تحلیل کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند تا چالش‌ها و راهکارهای ارتقای رتبه دانشگاه‌های ایرانی در نظام‌های رتبه‌بندی بین‌المللی شناسایی و دسته‌بندی شوند.



شکل ۱. خلاصه مراحل مطالعه مروری بر مبنای بیانیه پریزما (Ebrahimi, 2021)

یافته‌های پژوهش

سؤال اول پژوهش: دانشگاه‌های ایرانی در رتبه‌بندی‌های آکادمیک با چه چالش‌هایی مواجه‌اند؟

۱- ناسازگاری منطق رتبه‌بندی‌های جهانی با زیست‌بوم معرفتی و شرایط بومی ایران

نظام‌های رتبه‌بندی بین‌المللی، در اصل، بازتابی از الگوهای معرفتی و نهادی در جهان سرمایه‌داری آکادمیک هستند. این نظام‌ها شاخص‌هایی را برجسته می‌کنند که ریشه در تجربه‌های خاص دانشگاه‌های غربی دارد. در ایران اما دانشگاه‌ها در بستری متفاوت با محدودیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی فعالیت می‌کنند. از همین رو، مقایسه‌ای که با متر و معیار بیرونی انجام می‌شود، غالباً منصفانه نیست و به‌نوعی تحقیر ساختاری می‌انجامد. این امر در ذهن مدیران و استادان ما نوعی احساس عقب‌ماندگی مصنوعی ایجاد می‌کند. درحالی‌که اگر نگاه بومی و بستر تاریخی ایران را لحاظ کنیم، دانشگاه‌های ما مأموریت‌ها و رسالت‌های دیگری نیز داشته‌اند که در این جداول و رتبه‌ها دیده نمی‌شوند.

۲- کم‌رنگی حضور دانشگاه‌های ایرانی در عرصه نشر دیجیتال و فضای باز اینترنتی

دانشگاه‌های ما هنوز با پدیده «دانش به‌مثابه کالای عمومی در دسترس جهانی» آشتی نکرده‌اند. ضعف در انتشار آنلاین مقالات و داده‌ها، نه‌فقط یک مشکل فنی، بلکه نشانگر نوعی ذهنیت بسته و نهادی است. در جهان امروز، مرجعیت علمی به همان میزان که در تولید دانش است، در انتشار آزادانه و سریع آن نیز هست. وقتی دسترسی به محتوای دانشگاه‌های ایران محدود، پراکنده و ناکارآمد است، عملاً دانش تولیدی ما از عرصه جهانی حذف می‌شود. این ضعف بازتاب همان «فرهنگ انحصارگرایی» است که مانع از جریان یابی آزاد دانش در فضای جهانی می‌شود.

۳- چالش‌های ناشی از شاخص‌محوری و کمیت‌گرایی در ارزیابی دانشگاه‌ها

شاخص‌ها به‌ظاهر ابزارهای بی‌طرفانه، اما در واقع حامل ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های خاصی هستند. وقتی دانشگاه‌های ایران صرفاً بر اساس همین شاخص‌های کمی مورد قضاوت قرار می‌گیرند، بسیاری از ابعاد کیفی و اجتماعی کارکرد دانشگاه در سایه می‌رود. شاخص‌ها بیشتر بر تولید مقاله، استناد و قراردادهای صنعتی تأکید دارند، درحالی‌که دانشگاه ایرانی، تاریخی طولانی در تربیت نیروی انسانی، حفظ فرهنگ ملی و پاسخ به نیازهای اجتماعی داشته است. بدین ترتیب، ما گرفتار نوعی «تحویل‌گرایی شاخص‌محور» می‌شویم که ارزش‌های واقعی دانشگاه را قربانی رتبه و عدد می‌کند.

۴- گرفتاری دانشگاه در ساختارهای بوروکراتیک و ناکارآمدی نهادی

دانشگاه‌های ایران بیش از آنکه نهادی خود آیین و مستقل باشند، در چارچوب یک بوروکراسی سنگین و دستوری تعریف می‌شوند. ساختارهای پیچیده، سلسله‌مراتبی و غیر چابک، اجازه تصمیم‌گیری آزادانه و حرکت استراتژیک به دانشگاه نمی‌دهند. در چنین فضایی، خلاقیت علمی سرکوب می‌شود و نهاد دانشگاه، به‌جای آنکه میدان گفت‌وگو و نوآوری باشد، به اداره‌ای رسمی شبیه می‌شود. این مشکلات ساختاری، انرژی استادان و دانشجویان را به سمت مناسبات اداری منحرف می‌کند و سرمایه اجتماعی دانشگاه را فرسوده می‌سازد.

۵- فقدان حافظه نهادی و ضعف در مستندسازی و بازنمایی علمی

یکی از مشکلات دیرینه دانشگاه‌های ما، ضعف در مستندسازی تجربیات و دستاوردهاست. درحالی‌که در جهان امروز، حافظه نهادی و ثبت شفاف فعالیت‌ها، بخشی جدایی‌ناپذیر از اعتبار علمی محسوب می‌شود. ما معمولاً در بازنمایی داده‌ها، پروژه‌ها و حتی افتخارات علمی خود کوتاهی می‌کنیم. این کوتاهی نه فقط باعث نادیده گرفته شدن دانشگاه‌های ایران در صحنه جهانی می‌شود، بلکه حتی در سطح ملی نیز چرخه یادگیری نهادی ما را مختل می‌سازد. جامعه دانشگاهی ایران به جای بازتولید دانش مستند، درگیر حافظه شفاهی و فراموشی سازمانی است.

۶- ابهام در بازتعریف رسالت‌ها و وظایف اجتماعی دانشگاه ایرانی

دانشگاه ایرانی باید از حصار شاخص‌ها و رتبه‌ها فراتر رود و رسالت اصلی خود را بازتعریف کند. رسالت دانشگاه تنها تولید مقاله یا رقابت در جداول جهانی نیست؛ بلکه ایجاد فضایی برای تفکر انتقادی، توانمندسازی اجتماعی و تربیت شهروندان آگاه است. اگر دانشگاه نتواند به مسائل بومی جامعه پاسخ دهد، هرچند در رتبه‌های بین‌المللی نیز ارتقا یابد، در نهایت از جامعه خود بیگانه خواهد شد. وظیفه دانشگاه این است که هم‌زمان به دو افق بیندیشد: یکی حضور در شبکه جهانی دانش و دیگری وفاداری به نیازها و مسئله‌های بومی.

به این آیین، آنچه از این یافته‌ها برمی‌آید، نوعی گسست میان ظرفیت‌های واقعی دانشگاه‌های ایران و تصویر بازنمایی شده آن‌ها در آینه رتبه‌بندی‌های جهانی است. این گسست نه فقط به ضعف‌های فنی یا شاخص‌های کمی مربوط می‌شود، بلکه ریشه در ساختارهای نهادی، سیاست‌گذاری و فرهنگ‌سازمانی دانشگاه‌های کشور دارد.

جدول ۱. چالش‌های دانشگاه‌های ایران در رتبه‌های جهانی

چالش اصلی	خرده چالش	نویسندگان و سال انتشار
ناسازگاری منطق رتبه‌بندی‌های جهانی با زیست‌بوم معرفتی و شرایط بومی ایران	۱- واگرایی نتایج نظام‌های رتبه‌بندی جهانی و ایران در برخی معیارها و شاخص‌ها ۲- عدم پوشش حدود یک‌سوم از مفاهیم مستخرج از اسناد فرادستی آموزش عالی ایران توسط مدل‌های رتبه‌بندی مطرح ۳- نامناسب بودن نظام رتبه‌بندی ملی دانشگاهی و سطح‌بندی نامناسب دانشگاه‌های ایرانی	۱- Yaghtin(2023) ۲- Zare Banadkouki et al(2017) ۳- Gheitasi., Ghaderi, & Bolandhematan(2021)
کم‌رنگی حضور دانشگاه‌های ایرانی در عرصه نشر دیجیتال و فضای باز اینترنتی	۱- کم بودن تعداد صفحات وبی انگلیسی و جوان بودن وبسایت‌های دانشگاهی ایران ۲- فاصله دانشگاه‌های ایران در رتبه‌بندی وبومتریکس ^۱ با دانشگاه‌های برتر دنیا ۳- تغییرات منفی مربوط به شاخص تأثیر به‌عنوان تأثیرگذارترین عامل در رتبه‌بندی وبومتریکس ۴- رویارویی وبسایت‌های دانشگاه‌های ایران با مشکلات فنی ۵- بی‌توجهی مسئولان دانشگاه‌ها به ارتقای وبسایت‌ها ۶- عدم تمایل به سیاست‌های انتشار اینترنتی	۱- Amin Pour., & Atraj(2010) ۲- Etemadi Fard(2007) ۳- Zahed et al(2013) ۴- Niazi, & Abounoori(2010)

^۱. Webometrics

۱- Zahed et al(2013) ۲- Ebrahimi, & Zahir(2008) ۳- Ehsani(2019) ۴- Vahdat Zad(2017)	۱- تغییر در شیوه محاسبه شاخص برتری علمی ۲- تفاوت ارزیابی کمی و کیفی ۳- محدودیت در ابزار و شاخص‌های ارزیابی آموزش ۴- بی‌توجهی به شاخص‌های کیفی	چالش‌های ناشی از شاخص‌محوری و کمیت‌گرایی در ارزیابی دانشگاه‌ها
۱- Seyedreza, & Zeinabadi(2018) ۲- Gheitashi., Ghaderi, & Bolandhematan(2021) ۳- Rigi, , Azizi, & Pourghaz(2021) ۴- Mahmoodi, Samadi Shahrak , & Feizollahzadeh(2018)	۱- عدم وجود بیانیه مأموریت و چشم‌انداز به صورت مکتوب و رسمی در منابع معتبر و رسمی دانشگاه‌ها ۲- القای دید گزینشی نتایج رتبه‌بندی ملی به دانشجویان در هنگام انتخاب رشته، سیاسی بودن و تمرکزگرایی، تعامل محدود با دانشگاه‌های خارجی، نابرابری امکانات و محرومیت در جذب اعتبارات ۳- مدیریت دانشگاه‌ها ۴- موانع سازمانی، موانع مربوط به اعضای هیئت علمی و موانع مربوط به کمبود امکانات و فرصت‌ها و موانع فرا حوزه‌ای تولید علم در دانشگاه‌ها	گرفتاری دانشگاه در ساختارهای بوروکراتیک و ناکارآمدی نهادی
۱- Shafiei., Amini, & Ayoobi Ardakani(2016) ۲- Zolfi Gol., Shiri, , & Bakhtiari(2007) ۳- Omidi Far et al (2017)	۱- فقدان یک پایگاه جامع اطلاعات مدیریت در میان دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور ۲- واگرایی و عدم وحدت رویه در ثبت نام مراکز آموزشی و پژوهشی به زبان‌های فارسی و به ویژه انگلیسی ۳- ضعف در مستندسازی اطلاعات	فقدان حافظه نهادی و ضعف در مستندسازی و بازنمایی علمی
۱- Rahimi., Amin Beidokhti, & Zare Banadkouki(2023) ۲- Gheitashi., Ghaderi, & Bolandhematan(2021) ۳- Nadi., Jafari., & Ghorchian(2008) ۴- Mahmoodi, Samadi Shahrak , & Feizollahzadeh(2018) ۵- Omidi Far et al (2017)	۱- کم‌توجهی به شاخص ارتباط با صنعت و تجاری‌سازی آموزه‌های دانشگاهی ۲- رعایت نکردن تناسب استاد به دانشجو، رعایت نکردن پذیرش دانشجو (کمی گرایی آموزش) ۳- بی‌توجهی به پژوهش، صوری بودن پژوهش‌ها، ضعف در نگارش پژوهش (کمی گرایی پژوهش) ۴- موانع درونی سازی مفاهیم مدیریت کیفیت، سازمان یادگیرنده و مدیریت دانش در دانشگاه‌های ایران ۵- مواجهه تولید علم با موانع مربوط به ماهیت پژوهش، ابزارهای پژوهش، ارتباط علم با جامعه و صنعت ۶- ضعف در تبادل بین‌المللی استاد و دانشجو با سایر دانشگاه‌ها	ابهام در بازتعریف رسالت‌ها و وظایف اجتماعی دانشگاه ایرانی

سؤال دوم پژوهش: راهکارهای ارتقاء رتبه و جایگاه دانشگاه‌های ایرانی در رتبه‌بندی‌های آکادمیک کدام‌اند؟

۱- یازاندیشی در آموزش و خلاقیت‌های پژوهشی در بستر جامعه

دانشگاه ایرانی اگر بخواهد در جهان امروز دیده شود، باید پیش از هر چیز آموزش و پژوهش خود را از سطح «تکرار و تقلید» به سطح «خلاقیت و مسئله‌مندی» ارتقا دهد. آموزش نباید صرفاً به انتقال محفوظات محدود شود، بلکه باید به پرورش ذهن پرسشگر، خلاق و آزاد بینجامد. پژوهش نیز نباید تنها برای تولید مقاله در پایگاه‌های بین‌المللی باشد، بلکه باید به درد جامعه بخورد و پاسخی به مسائل واقعی کشور باشد. زمانی که پژوهش به زندگی روزمره مردم و توسعه ملی گره بخورد، هم اثر اجتماعی دارد و هم در عرصه جهانی اعتبار می‌آورد. در این حالت، ارتقای رتبه نتیجه‌ای طبیعی خواهد بود، نه هدفی تصنعی.

۲- اصلاح نهادی و بازسازی سازمانی دانشگاه به‌مثابه نهاد خود آیین

یکی از مشکلات اصلی دانشگاه‌های ما، گرفتاری در بوروکراسی دولتی و وابستگی به تصمیم‌های بیرونی است. دانشگاه در چنین شرایطی استقلال خود را از دست می‌دهد و به اداره‌ای اداری تبدیل می‌شود. راه ارتقا در رتبه‌های جهانی، اصلاح این وضعیت است. دانشگاه باید نهادی خود آیین، چابک و توانمند در تصمیم‌گیری باشد. تمرکززدایی، شایسته‌سالاری در مدیریت و آزادی عمل علمی، از ارکان این بازسازی نهادی است. تنها در چنین شرایطی، خلاقیت و کیفیت علمی مجال بروز می‌یابد و دانشگاه می‌تواند به رقابتی سالم در سطح بین‌المللی وارد شود.

۳- ایجاد حافظه نهادی از طریق مستندسازی شفاف و نظام‌مند علمی

دانشگاه‌های ایرانی اغلب دچار «فراموشی سازمانی» هستند. فعالیت‌ها، پژوهش‌ها و دستاوردها یا پراکنده‌اند، یا مستند نمی‌شوند و یا اگر ثبت شوند، به‌سختی قابل‌دسترس‌اند. این کاستی موجب می‌شود که در رتبه‌بندی‌های جهانی، دانشگاه‌ها تصویر روشنی از خود ارائه ندهند. مستندسازی علمی در واقع حافظه دانشگاه است؛ حافظه‌ای که هم برای جامعه جهانی دانش ارزشمند است و هم برای خود دانشگاه در داخل کشور. اگر این مستندسازی شفاف و نظام‌مند باشد، دانشگاه نه تنها جایگاه بهتری در رتبه‌بندی‌ها خواهد یافت، بلکه چرخه یادگیری سازمانی‌اش نیز تقویت می‌شود.

۴- حضور معرفتی و نمادین دانشگاه در فضای دیجیتال و وب‌متریک جهانی

امروز، دانش تنها زمانی قدرت پیدا می‌کند که در فضای باز دیجیتال به اشتراک گذاشته شود. دانشگاه ایرانی هنوز در این عرصه عقب است؛ بسیاری از محتواها در سایت‌ها و پایگاه‌های علمی ما یا ناقص‌اند، یا به‌روز نمی‌شوند، یا دسترس‌پذیر نیستند. این ضعف باعث می‌شود دانش ما در فضای جهانی نادیده گرفته شود. وب‌متریک، شاخصی از میزان حضور و دسترس‌پذیری دانشگاه است. اگر دانشگاه ایرانی بتواند داده‌ها، مقالات و محتوای علمی خود را آزاد، چندزبانه و کاربرپسند در وب منتشر کند، نه تنها رتبه‌اش ارتقا می‌یابد، بلکه هویت علمی‌اش نیز در جهان دیده می‌شود.

جدول ۲. راهکارهای ارتقاء رتبه دانشگاه‌های ایران در رتبه‌های جهانی

راهکار اصلی	راهکار	نویسندگان و سال انتشار
بازاندیشی در آموزش و خلاقیت‌های پژوهشی در بستر جامعه	۱- تأثیرگذاری سه برابری شاخص‌های ناظر بر کیفیت استنادی برون‌دادها نسبت به شاخص‌های ناظر بر کمیت درون‌دادها ۲- توجه مجدد به آموزش دانشگاهی در سازوکار برنامه‌های توسعه ۳- برنامه‌ریزی در زمینه افزایش کمیت و کیفیت برون‌دادهای پژوهشی ۴- وضع قوانین و مقررات لازم برای انجام یک پژوهش باکیفیت هم‌راستا با واقعیت	۱_ Ehsani(2019) ۲_ Rahimi., Amin Beidokhti, & Zare Banadkouki(2023) ۳_ Moradian., Erfanmanesh., & Asnafi(2017) ۴_ Noroozi Chakoli(2021)
اصلاح نهادی و بازسازی سازمانی دانشگاه به مثابه نهاد خود آیین	۱- مقایسه‌های هم‌تراز، عدالت بخشی، رقابتی کردن، ارتقاء بخشی جایگاه و جذب تسهیلات ۲- توجه به چشم‌انداز دانشگاه‌های برتر جهان و برنامه‌ریزی برای همسویی با آنها ۳- ترسیم مأموریت‌ها و محورهای موضوعی خاص خود با توجه به نیازهای کشور و تحولات روز بین‌المللی توسط دانشگاه‌ها ۴- استقرار دو اصل مهم آزادی علمی و استقلال مالی و اداری در دانشگاه ۵- تغییر سبک مدیریتی مدیران دانشگاه‌ها به سوی سبک‌های رهبری اثربخش حمایت‌کننده و تفویض‌کننده، تخصص‌گرایی و تغییر سیستم ارزیابی دانشگاه‌ها ۶- لحاظ نمودن ارزش‌ها و معیارهای مطلوب مندرج در اسناد فرادستی در رتبه‌بندی دانشگاه‌های ایران ۷- توجه به شناسایی و تأمین جذب دانشجو و اعضای هیئت علمی باکیفیت و کارآمد ۸- پشتیبانی مناسب از فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی هدفمند ۹- جلوگیری از افزایش بی‌رویه تعداد مراکز آموزش عالی ضعیف و ناکارآمد ۱۰- ایجاد دسترسی الکترونیکی مناسب به منابع علمی معتبر و آموزش سواد اطلاعاتی	۱_ Rigi, , Azizi, & Pourghaz(2021) ۲_ Seyedreza, & Zeinabadi(2018) ۳_ Noroozi Chakoli(2021) ۴_ Zare Banadkouki(2017)
ایجاد حافظه نهادی از طریق مستندسازی شفاف و	۱- تلاش مضاعف به منظور ورود بیشتر مجلات داخلی در ISI در جهت افزایش زمینه ارتقای بیشتر مجلات داخلی	۱_ Ovhad(2007) ۲_ Zolfi Gol., Shiri, , &

Bakhtiari(2007)	۲-افزایش ارتباطات علمی دانشگاه‌های داخل با دانشگاه‌های معتبر خارجی به منظور تلاش در جهت تولید مقالات علمی مشترک ۳-استفاده از روش‌های عملی جهت ترغیب اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها به چاپ مقاله در مجلات تحت نمایه ISI ۴-برگزاری کارگاه‌های آموزشی توسط افراد مجرب به ویژه برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی ۵-اختصاص پژوهانه، اعتبار پژوهشی، مرتبه علمی و سیاست‌های تشویقی برون‌دادهای پژوهشی منوط به نمایه شدن صحیح مستندات علمی ذینفع ۶-جلوگیری از اشتباه نمایه‌سازی مربوط به مستندات علمی تیمی ۷-اخذ تعهدات لازم از هر عضو جدید هیئت علمی در بدو ورود ۸-به کارگیری کارشناس علم‌سنجی یا علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی در دفتر نظارت و ارزیابی یا حوزه پژوهش و فناوری ۹-اخذ فرم تعهد دانشجویان تحصیلات تکمیلی که نشانی آکادمیک فارسی و انگلیسی مصوب دانشگاه را در تمامی مستندات علمی به صورت صحیح درج نمایند	نظام‌مند علمی
۱_ Lajevardi et al(2019) ۲_ Etemadi Fard(2007) ۳_ Amin Pour., & Atraj(2010) ۴_ Zahed et al(2013) ۵_ Seyfabad Kouhzadi., & Shayegan Fard(2019) ۶_ Niazi, & Abounoori(2010)	۱- توجه به ابعاد دانشگاه هوشمند ۲-ارزان تر بودن انتشارات تحت وب و استاندارد و دقت بالا در بررسی مستندات علمی ۳- بازنگری سیاست‌های مدیریتی و پژوهشی در زمینه بروز شدن و ارتقای کمی و کیفی وب‌سایت‌های دانشگاهی ۴- قابل دسترس بودن تمام تولیدات اعضای هیئت علمی جهت افزایش رؤیت پذیری دانشگاه ۵- معرفی لینک دانشگاه به سایت‌های مفید و معتبر علمی جهت افزایش پیوندهای دریافتی یافته و بهبود شاخص اثر ۶- پیاده‌سازی تکنیک‌های سئو (دانشگاه باید فاکتورهای سئو داخلی را در صفحه وب‌سایت دانشگاه بهبود بخشد) ۶- افزایش میزان صفحات و محتوای وبی، کیفیت منابع، رؤیت پذیری، پذیرش عمومی، بین‌المللی بودن، برون داد پژوهشی و شهرت علمی و ضریب تأثیر وبی	حضور معرفتی و نمادین دانشگاه در فضای دیجیتال و وب‌متریک جهانی

نتیجه‌گیری

مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که رتبه‌بندی‌های جهانی دانشگاه‌ها، در جهان امروز بیش از آنکه صرفاً ابزاری فنی باشند، نوعی سرمایه نمادین برای کشورها محسوب می‌شوند. این رتبه‌بندی‌ها در عرصه بین‌المللی، تصویری از جایگاه علمی هر جامعه ارائه می‌دهند و در عین حال بر سیاست‌های آموزشی و پژوهشی کشورها اثرگذارند. با این حال، دکتر مقصود فراست‌خواه همواره هشدار داده است که نباید در دام «توهم رتبه‌ها» و «کمیت گرایی بی‌روح» گرفتار شویم. دانشگاه صرفاً برای صعود در جداول جهانی به وجود نیامده است؛ دانشگاه نهادی است که فلسفه وجودی آن به تربیت شهروندان آگاه، تولید اندیشه و پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه گره خورده است. اگر رتبه‌ها را از این رسالت بزرگ جدا کنیم، عملاً دانشگاه را تهی و بی‌هویت ساخته‌ایم. از همین منظر، ارتقای جایگاه دانشگاه‌های ایرانی در نظام‌های رتبه‌بندی نیازمند بازاندیشی‌ای عمیق در چالش‌ها و راهکارهاست.

دانشگاه‌های ایران با مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری و فرهنگی مواجه‌اند که جایگاه آن‌ها را در رتبه‌بندی‌های جهانی تضعیف کرده است از جمله:

نخست، ناسازگاری منطق رتبه‌بندی‌های جهانی با زیست‌بوم معرفتی ایران است. شاخص‌های این رتبه‌بندی‌ها عمدتاً در تجربه‌های غربی ریشه دارند و بسیاری از رسالت‌های تاریخی و اجتماعی دانشگاه ایرانی در آن‌ها نادیده گرفته می‌شود. مقایسه‌ای که بدون درک زمینه بومی انجام شود، بیش از آنکه به اصلاح منجر شود، احساس عقب‌ماندگی مصنوعی ایجاد می‌کند. عطیه و زین‌آبادی (۱۳۹۷) بیان می‌کنند که دانشگاه‌ها با توجه به چشم انداز دانشگاه‌های برتر جهان و همسویی با آنها برنامه ریزی کرده و چشم انداز خود را ارائه کنند. همچنین برای ارزیابی عملکرد یا تدوین چشم انداز دانشگاه‌ها در ایران بیش از یک نظام رتبه بندی الگو قرار نگیرد و به منظور حفظ استقلال دانشگاه‌ها و نیز مشارکت آنها در برنامه های میان رشته ای، حمایت های قانونی و محترم شمردن این حمایت ها لازم است. نوروزی چاکلی (۱۴۰۰) بیان می‌دارد که هر دانشگاه باید همواره ماموریت‌ها و محورهای موضوعی خاص خود را با توجه به نیازهای کشور و تحولات روز بین‌المللی ترسیم کند و اعضای هیئت علمی و دانشجویان را به حرکت در آن مسیر سوق دهد. پژوهش بنادکوکي و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که لازم است ارزش‌ها و معیارهای مطلوب مندرج در اسناد فرادستی در رتبه بندی دانشگاه های ایران لحاظ شود. نوروزی چاکلی (۱۴۰۰) نشان داد که توجه به شناسایی و تامین جذب دانشجو و اعضای هیئت علمی با کیفیت و کارآمد، پشتیبانی مناسب از فعالیتهای پژوهشی و آموزشی هدفمند، جلوگیری از افزایش بی رویه تعداد مراکز آموزش عالی ضعیف و ناکارآمد، ایجاد دسترسی الکترونیکی مناسب به منابع علمی معتبر و آموزش سواد اطلاعاتی می‌تواند شانس دانشگاه‌ها برای کسب رتبه‌های برتر بین‌المللی را افزایش دهند.

دوم، کم‌رنگی حضور دانشگاه‌های ایرانی در عرصه نشر دیجیتال است. در جهانی که علم به سرعت در وب جریان می‌یابد، محدودیت و ضعف در انتشار آنلاین مقالات و داده‌ها موجب حذف دانشگاه ایرانی از صحنه گفت‌وگوی جهانی می‌شود. این امر نه صرفاً یک مشکل فنی، بلکه نشانه‌ای از ذهنیت انحصارگرایی نهادی است. لاجوردی و همکاران (۱۳۹۸) بیان می‌دارند که کسب رتبه‌های بالا در سیستم‌های رتبه بندی بین‌المللی از اهمیت بسزایی برخوردار است و توجه به ابعاد دانشگاه هوشمند از جمله مدیریت هوشمند، افراد هوشمند، شبکه دانش، محیط هوشمند و زیرساخت یکی از راه‌های موفقیت است. اعتمادی فرد (۱۳۸۶) اظهار داشته که انتشارات وبی ارزاتر بوده و بررسی مستندات علمی با استاندارد و دقت بالایی صورت می‌گیرد. امین‌پور و اطرح (۱۳۸۹) بیان می‌کنند که به جهت حضور بیشتر در وب لازم است مسئولان دانشگاه‌های علوم پزشکی پژوهشی کشور، سیاست‌های مدیریتی و پژوهشی خود را مورد بازنگری قرار دهند و در زمینه بروز شدن و ارتقای کمی و کیفی وب سایت‌های دانشگاهی تدابیری موثر و جدی اتخاذ نمایند. زاهد و همکاران (۱۳۹۲) برای بهبود وضعیت دانشگاه‌ها از نظر رتبه بندی وب‌متریک، اظهار داشته که تمام تولیدات اعضای هیئت علمی قابل دسترس باشد تا رویت پذیری دانشگاه بالا رود. همچنین لینک دانشگاه به سایت‌های مفید و معتبر علمی معرفی شود تا پیوندهای دریافتی افزایش یافته و شاخص اثر بهبود یابد. پژوهش کهزادی سیف آباد و شایگان فرد (۱۳۹۸) نشان داد برخی از معیارهای "سئو" نظیر تعداد بک لینک، رتبه الکسا و پیج رنک تأثیری مستقیم و قابل توجه بر

روی رتبه وب سایت دانشگاه ها دارند. برای بهبود رتبه در وبمتریک با پیاده سازی تکنیک های سئو، دانشگاه باید فاکتورهای سئو داخلی را در صفحه وب سایت دانشگاه بهبود بخشد. نیازی و ابنوری (۱۳۸۹) بیان می کنند که برخی از شاخص هایی که دانشگاه ها و مراکز پژوهشی با رعایت آنها قادر به افزایش رتبه در نظامهای معتبر رتبه بندی جهانی شده اند عبارتند از: میزان صفحات و محتوای وبی، کیفیت منابع، رویت پذیری، پذیرش عمومی، بین المللی بودن، برون داد پژوهشی و شهرت علمی و ضریب تاثیر تحت وب

سوم، چالش شاخص محوری و کمیت گرایی است. شاخص ها به ظاهر بی طرف اند، اما در واقع حامل ارزش های خاصی هستند. وقتی دانشگاه تنها با تولید مقاله و استناد سنجیده شود، ابعاد کیفی و اجتماعی رسالت آن به حاشیه رانده می شود و ما گرفتار «تحویل گرایی عددی» می شویم. پژوهش احسانی (۱۳۹۸) نشان داد که بیشترین تعیین کنندگی شاخص ها مربوط به شاخص های ناظر بر پژوهش و در میان آنها نیز به شاخص های گروه برون داد استناد مربوط می شود. همچنین، تاثیرگذاری شاخص های ناظر بر کیفیت استنادی برون داد ها بیش از سه برابر شاخص های ناظر بر کمیت درون داده است. در مقابل تلاش برای هم راستا کردن فعالیت های دانشگاهی با تاثیرگذارترین شاخص های مربوطه احتمالاً به غفلت بیش از پیش از رسالت های اصلی دانشگاه به ویژه آموزش و تشدید روند رشد کاریکاتوری و ناپایدار برون دادهای بی کیفیت منجر خواهد شد. رحیمی، امین بیدختی و زارع بنادکوک (۱۴۰۱) اظهار داشته که آموزش دانشگاهی منجر به بهبود پژوهش و تولیدات علمی گردیده و جهت ارتقای دانشگاه ها به تراز جهانی توجه مجدد به آموزش دانشگاهی باید در ساز و کار برنامه های توسعه دانشگاهها قرار گیرد. مرادیان، عرفان منش و اصنافی (۱۳۹۶) اظهار می دارند که دانشگاه ها با برنامه ریزی در زمینه افزایش کمیت و کیفیت برون دادهای پژوهشی از شانس بیشتری برای ورود و ارتقاء جایگاه در نظام های رتبه بندی بین المللی برخوردار خواهند بود. نوروزی چاکلی (۱۴۰۰) اظهار می دارد که قوانین و مقرراتی باید وضع شود که شرایط لازم برای انجام یک پژوهش باکیفیت را در نظر داشته و با واقعیت های موجود در این خصوص هم راستا باشد.

چهارم، مشکلات ساختاری است. دانشگاه های ایران در چنبره بوروکراسی و کنترل های بیرونی گرفتارند. استقلال نهادی وجود ندارد و دانشگاه به اداره ای دولتی شباهت پیدا کرده است. در چنین فضایی، خلاقیت علمی سرکوب می شود و توان رقابت جهانی کاهش می یابد. پژوهش قیطاسی، قادری و بلندهمتان (۱۳۹۹) نشان می دهد که که مهم ترین راهکارها برای رفع چالش های رتبه بندی، مقایسه های هم تراز شامل مقایسه دانشگاه با سوابق خود، مقایسه دانشگاه با دانشگاه های هم تراز، عدالت بخشی، توجه به ماهیت رشته ها شامل عدم قابلیت اجرایی یکسان نظام جاری برای همه رشته ها، متضرر شدن رشته های علوم انسانی و هنر و توجه به ماهیت رشته ها و رقابتی کردن شامل رقابت داخلی و رقابت بین المللی و نیز ارتقاء بخشی جایگاه مشتمل بر شناسایی ضعف ها و کاستی ها و تلاش برای ارتقاء جایگاه و در پایان جذب تسهیلات بر اساس کسب بودجه و امکانات را از مهم ترین راهکارهای رفع چالش رتبه بندی های دانشگاه های ایرانی می دانند.

پنجم، فقدان حافظه نهادی و ضعف در مستندسازی علمی است. بسیاری از دستاوردها و پروژه ها ثبت نمی شوند یا قابل دسترس نیستند. این امر موجب می شود که تصویر واقعی دانشگاه های ایران در جهان بازنمایی نشود و چرخه یادگیری سازمانی نیز مختل گردد. اوحدی (۱۳۸۶) تلاش مضاعف به منظور ورود بیشتر مجلات داخلی در نمایه ISI و در جهت افزایش زمینه ارتقای بیشتر مجلات داخلی، افزایش ارتباطات علمی دانشگاه های داخل با دانشگاه های معتبر خارجی به منظور تلاش در جهت تولید مقالات علمی مشترک و استفاده از روش های عملی جهت ترغیب اعضای هیئت علمی دانشگاه ها به چاپ مقاله در مجلات تحت نمایه ISI را از راهکارهای ارتقاء رتبه بین المللی بر می شمارد. زلفی گل، شیرینی و کیانی بختیاری (۱۳۸۶) برگزاری کارگاههای آموزشی توسط افراد مجرب به ویژه برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی، اختصاص پژوهانه، اعتبار پژوهشی، مرتبه علمی و سیاست های تشویقی برون دادهای پژوهشی منوط به نمایه شدن صحیح مستندات علمی ذینفع، جلوگیری از اشتباه نمایه سازی مربوط به مستندات علمی تیمی، اخذ تعهدات لازم از هر عضو جدید هیئت علمی در بدو ورود، بکارگیری کارشناس علم سنجی یا علوم کتابداری و اطلاع رسانی در دفتر نظارت و ارزیابی یا حوزه پژوهش و فناوری، اخذ فرم تعهد دانشجویان تحصیلات تکمیلی که نشانی آکادمیک فارسی و انگلیسی مصوب دانشگاه را در تمامی مستندات علمی بصورت صحیح درج نمایند از راهکارهای ارتقاء رتبه دانشگاه ها در رتبه بندی های جهانی می باشد.

ششم، ابهام در بازتعریف وظایف اجتماعی دانشگاه است. دانشگاه ایرانی هنوز نسبت خود را با جامعه به روشنی تعریف نکرده است. اگر دانشگاه به مسائل مردم و توسعه اجتماعی پاسخ ندهد، حتی با ارتقای رتبه های جهانی نیز بی ریشه و ناکام خواهد بود. پژوهش ریگی، عزیزی

و پورقاز (۱۳۹۹) اظهار می‌دارد که استقرار دو اصل مهم آزادی علمی و استقلال مالی و اداری در دانشگاه‌ها، تغییر سبک مدیریتی مدیران دانشگاه‌ها به سوی سبک‌های رهبری اثربخش حمایت‌کننده و تفویض‌کننده، تخصص‌گرایی و تغییر سیستم ارزیابی دانشگاه‌ها از جمله راهبردهای بهبود شرایط دانشگاه‌های ایرانی در رتبه‌بندی‌های جهانی می‌باشند.

عبور از این چالش‌ها تنها با اصلاحات سطحی ممکن نیست، بلکه نیازمند بازسازی نهادی و فرهنگی است. نخست، بازاندیشی در آموزش و خلاقیت‌های پژوهشی، دانشگاه باید از وضعیت کنونی که بیشتر به انباشت محفوظات و مقاله‌سازی شباهت دارد، عبور کند. آموزش باید به پرورش ذهن نقاد و پژوهش باید به مسئله‌مندی اجتماعی گره بخورد. اگر پژوهش به نیازهای واقعی جامعه پاسخ دهد، خودبه‌خود در جهان نیز مرجعیت پیدا می‌کند. دوم، اصلاح نهادی و بازسازی سازمانی دانشگاه، استقلال نهادی و تمرکززدایی شرط لازم برای ارتقای کیفیت است. دانشگاه باید از قیدوبندهای بوروکراتیک رها شود و به نهادی خودآیین بدل گردد؛ نهادی که بتواند مسیر علمی و پژوهشی خود را آزادانه ترسیم کند. سوم، ایجاد حافظه نهادی از طریق مستندسازی علمی، ثبت شفاف و نظام‌مند فعالیت‌ها و دستاوردها موجب افزایش سرمایه نمادین دانشگاه می‌شود. این حافظه سازمانی به دانشگاه کمک می‌کند که هم در عرصه جهانی دیده شود و هم در داخل چرخه یادگیری و پیشرفت ایجاد کند. چهارم، حضور معرفتی و نمادین در فضای دیجیتال و وب‌متریک جهانی، دانشگاه باید به انتشار آزاد و چندزبانه محتوای علمی روی آورد. هرچه دانش ما دسترس‌پذیرتر باشد، هم در فضای جهانی اثرگذارتر خواهد شد و هم رتبه وب‌متریک دانشگاه ارتقا خواهد یافت. این حضور دیجیتال نه تاکتیکی تبلیغاتی، بلکه بخشی از بلوغ فرهنگی دانشگاه است. پنجم، بازتعریف وظیفه اجتماعی دانشگاه، رسالت اصلی دانشگاه نه صرفاً صعود در رتبه‌بندی‌ها، بلکه ایجاد توسعه انسانی و اجتماعی است. اگر دانشگاه در دل جامعه جایگاه پیدا کند، ارتقای رتبه تنها به‌عنوان پیامدی طبیعی و فرعی رخ خواهد داد.

در یک نتیجه‌گیری کلی باید اذعان داشت که دانشگاه ایرانی امروز در آستانه یک انتخاب تاریخی قرار دارد. می‌تواند همچنان درگیر بازی شاخص‌ها و آمارهای سطحی باقی بماند، یا آنکه با بازاندیشی عمیق در ماهیت و رسالت خود، راهی تازه برای آینده بگشاید. از نگاه دکتر مقصود فراست‌خواه ارتقای جایگاه دانشگاه در رتبه‌بندی‌های جهانی زمانی پایدار و معتبر خواهد بود که دانشگاه از درون بازسازی شود: آزاد، مستقل، شفاف، دیجیتال و در پیوند با جامعه. تنها در این صورت است که ارتقای رتبه به معنای واقعی کلمه، نشانگر بلوغ نهادی آموزش عالی خواهد بود، نه صرفاً یک توهم عددی.

مخلص کلام، مسئله رتبه دانشگاه‌های ایران در نظام‌های جهانی بیش از آنکه یک «چالش آماری» باشد، یک «پرسش نهادی و فرهنگی» است. این رتبه‌ها آئینه‌ای هستند که ضعف‌های عمیق‌تر ما را نشان می‌دهند. وقتی می‌بینیم در انتشار آزاد دانش، در استقلال نهادی، در مستندسازی علمی یا در حضور دیجیتال عقب هستیم، این‌ها صرفاً نقاط ضعف در شاخص‌ها نیستند؛ بلکه نشانه‌ای از بحران هویت دانشگاه در ایران‌اند. دانشگاه ما هنوز درگیر این پرسش است که «برای چه وجود دارد؟» و تا زمانی که پاسخی روشن به این پرسش ندهیم، ارتقای رتبه‌ها هم چیزی جز آرایش ظاهری نخواهد بود. رتبه، اگر در خدمت رسالت اجتماعی و معرفتی دانشگاه قرار نگیرد، به توهمی بی‌ثمر بدل می‌شود؛ اما اگر دانشگاه ایرانی بتواند خود را بازسازی کند؛ اگر بتواند آزادی علمی را پاس بدارد، با جامعه‌اش وارد گفت‌وگویی صادقانه شود، دستاوردهایش را شفاف و دیجیتال به جهان عرضه کند و در نهایت به پرورش شهروندان مسئول و نقاد بیندیشد، آنگاه رتبه‌های جهانی نیز خودبه‌خود ارتقا خواهند یافت. به بیان دیگر، ارتقای رتبه مقصد نهایی نیست، بلکه پیامد طبیعی بلوغ دانشگاه است. راه پیش‌روی ما نه مسابقه

در کمیت گرایی، بلکه بازآفرینی دانشگاه به مثابه نهادی زنده، خود آیین و اجتماعی است. دانشگاهی که از این مسیر حرکت کند، نه تنها در رتبه بندی ها بهتر دیده خواهد شد، بلکه در حافظه تاریخی جامعه ایران نیز جایگاهی ماندگار خواهد یافت. بر این اساس در راستای یافته های پژوهش، پیشنهادهای کاربردی ارائه می گردد

۱- یازاندیشی در فلسفه آموزش عالی: پیش از هر اقدام اجرایی، لازم است دانشگاه های ما بار دیگر از خود بپرسند: «برای چه چیزی وجود داریم؟» بازتعریف رسالت دانشگاه در تربیت شهروندان آگاه و تولید اندیشه اصیل، سنگ بنای هر اصلاحی است.

۲- تقویت استقلال نهادی: بدون خود آیینی دانشگاه، هیچ اصلاحی دوام نخواهد داشت. دولت باید به دانشگاه اعتماد کند و امکان تصمیم گیری مستقل در زمینه های علمی، پژوهشی و مدیریتی را فراهم سازد.

۳- آزادی آکادمیک و فضای نقادی: دانشگاه زمانی رشد می کند که در آن آزادی بیان، نقد علمی و تنوع فکری به رسمیت شناخته شود. مهار این آزادی ها، بزرگ ترین مانع در مسیر ارتقای جایگاه جهانی است.

۴- تمرکز بر کیفیت آموزش و پژوهش: به جای تولید انبوه مقاله، باید بر کیفیت آموزش و پژوهش و پیوند آن ها با نیازهای واقعی جامعه سرمایه گذاری شود. کمیت گرایی علمی باید جای خود را به خلاقیت و مسئله مندی بدهد.

۵- حضور فعال در فضای دیجیتال: دانشگاه ایرانی باید دانش خود را آزادانه و چندزبانه در وب منتشر کند. این کار نه تنها رتبه وبمتریکی را ارتقا می دهد، بلکه هویت علمی ما را در جهان تثبیت می کند.

۶- مستندسازی نظام مند دستاوردها: ایجاد حافظه نهادی با ثبت شفاف پروژه ها، مقالات و افتخارات، مانع فراموشی و پراکندگی خواهد شد. این حافظه به دانشگاه امکان می دهد تا هم در داخل و هم در خارج بازشناخته شود.

۷- یازسازی ساختارهای مدیریتی: دانشگاه باید از بوروکراسی فرساینده و مدیریت انتصابی رها شود. نظام شایسته سالاری و مشارکت استادان و دانشجویان در مدیریت دانشگاهی ضروری است.

۸- گسترش همکاری های بین المللی: ارتباطات علمی با دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی جهان باید گسترش یابد. این همکاری ها امکان دیده شدن بیشتر و افزایش اعتبار علمی دانشگاه ایرانی را فراهم می کند.

۹- پیوند دانشگاه با جامعه: دانشگاه باید در متن جامعه و درگیر با مسائل مردم باشد. تولید دانش زمانی ارزشمند است که به زندگی اجتماعی و توسعه ملی کمک کند.

۱۰- تربیت سرمایه انسانی آینده نگر: هدف نهایی دانشگاه نه ارتقای رتبه، بلکه پرورش انسان هایی خلاق، مسئول و نقاد است. سرمایه انسانی، اصلی ترین معیار موفقیت هر دانشگاه در درازمدت خواهد بود.

محدودیت‌های پژوهش و پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، تمرکز بر تحلیل کیفی ادبیات موضوع موردنظر بود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی، از روش فرا تحلیل کمی متمرکز بر داده‌های عملکردی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایرانی در نظام‌های رتبه‌بندی استفاده شود تا ضمن آسیب‌شناسی دقیق‌تر از وضعیت موجود، امکان ارائه طریق و راهکار مناسب مهیا شود.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافی در رابطه با نتایج پژوهش ندارند.

Amir AkbariSarcheghaei



<http://orcid.org/0009-0002-4322-551X>

Jamal Salimi



<http://orcid.org/0000-0003-1796-5063>

Ali Aminibagh



[http:// orcid.org/0000-0002-6515-4487](http://orcid.org/0000-0002-6515-4487)

منابع

Amin Pour, F., & Atraj, Z. (2010). Webometric ranking of top Iranian medical universities. *Health Information Management*, 7(1), 94–102. [In Persian]

Aminibagh, A. and Salimi, J. (2025). Qualitative Analysis of Faculty Members' Perceptions of Creative University: A Path to Educational Innovation. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 31(2), 45-66. doi: 10.61838/KMAN.IRPHE.31.2.3. [In Persian]

Ebrahimi, S. (2021). Systematic review of multigrade classrooms studies. *Research in Curriculum Planning*, 18(2), 101–131. [In Persian]

Ebrahimi, S., & Zahir, H. (2008). The quantity and quality of knowledge produced in Iran universities. *The Journal of New Thoughts on Education*, 4(3), 105–126. [In Persian]

Ehsani, V. (2019). The most effective indicators of university ranking systems in determining the ranking of Iranian universities. *Rahyaft*, 73(1), 27–39. [In Persian]

Etemadi Fard, A. (2007). Indicators of webometrics and universities ranking in Iran and world. *Rahyaft*, 40(1), 76–81. [In Persian]

Gheitasi, S. H., Ghaderi, M., & Bolandhematan, K. (2021). Investigating the viewpoints of Kurdistan university professors on ranking system of Iranian universities. *Higher Education Letter*, 14(53), 26–49. [In Persian]



Heidari, S. H., Izadi, S., & Omran, I. S. (2017). Identifying, compiling, and validating the teaching and learning indicators in rankings of universities. *Quarterly Journal of Research in School and Virtual Learning*, 5(2), 47–56. [In Persian]

Lajevardi, S. J., Rezaeian, A., Talebpour, A., & Sharifi, S. (2019). Smart university: A ways to improve international rankings of universities (ISC ranking system). *Journal of Administration Perspective*, 10(4), 16–40. [In Persian]

Mahmoodi, F., Samadi Shahrak, Z., & Feizollahzadeh, Z. (2018). Ranking the inhibitors of scientific production in university of Tabriz: The viewpoint of academic staff. *Journal of Education Strategies in Medical Sciences*, 11(5), 61–67. [In Persian]

Mohammadi, R., & Eshaghi, F. (2024). *Rankings and accountability in higher education: Uses and misuses*. Tehran: Revolutionary Political Science' Textbooks in Iran.

Moradian, M., Erfanmanesh, M. A., & Asnafi, A. R. (2017). Relationship between the performances of top world universities based on scientometric indicators and their position in ten international academic ranking systems. *Science and Techniques of Information Management*, 3(4), 24–42. [In Persian]

Moshtagh, M., Sotudeh, H., Yaghtin, M., & Jowkar, T. (2021). The correlation of Nature and Leiden index ranking systems with Times and QS. *Scientific Bi-Quarterly Scientometrics Research Journal*, 7(2), 157–172. [In Persian]

Nadi, M. A., Jafari, P., & Ghorchian, N. G. H. (2008). Discrimination ability of Islamic Azad university district 4 by QLKI. *Research in Curriculum Planning*, 17(1), 1–26. [In Persian]

Niazi, E., & Abounoori, E. (2010). Webometrics indicators ranking in different universities. *Library and Information Science*, 52(1), 143–172. [In Persian]

Noroozi Chakoli, A. (2021). Ranking of universities, from ideal to reality. *Scientific Bi-Quarterly Scientometrics Research Journal*, 7(2), 1–2. [In Persian]

Omidi Far, R., Qaleei, A., Hassani, M., & Mousavi, M. (2017). Evaluation and ranking of universities in Tehran with the emphasis on the state of the university ranking systems. *Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences*, 49(17), 249–269. [In Persian]

Ovhadi, V. R. (2007). Science and research: Criteria of universities ranking. *Rahyaf*, 41(3), 23–34. [In Persian]

Rahimi, M., Amin Beidokhti, A., & Zare Banadkouki, M. (2023). Identifying and prioritizing components and indicators that affect the ranking of universities, focusing on educational aspects, using the combination of foundational data theory and fuzzy Delphi. *Quarterly Journal of Educational Leadership & Administration*, 16(4), 89–120. [In Persian]

Rigi, A., Azizi, M., & Pourghaz, A. (2021). Critically examine university management in achieving top global rankings. *Public Management Researches*, 47(2), 222–244. [In Persian]

Salimi J., Abdi, A. (2017). Study of the ideas and perceptions of faculty members regarding the concept of academic freedom. *Journal of Iranian Higher Education*. 2017; 9 (3): 57-88. [In Persian]

Seyedreza, A., & Zeinabadi, H. R. (2018). A review on the visions of the world's top universities: Comparative comparison of the world's top 50 universities based on the Times rankings. *Higher Education Letter*, 11(42), 55–79. [In Persian]

Seyfabad Kouhzadi, M., & Shayegan Fard, M. J. (2019). An analysis of the impact of SEO on university website ranking. *Iranian Research Institute for Information Science and Technology (IranDoc)*, 34(4), 1799–1822. [In Persian]

Shafiei, M., Amini, M., & Ayoobi Ardakani, M. (2016). A model for evaluation and ranking Iran universities by composite index. *A Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 4(14), 1–25. [In Persian]

Vahdat Zad, M. A., Zare Banadkouki, M. R., Owlia, M. S., & Lotfi, M. M. (2017). An analysis of Iranian universities ranking using scientometric indicators. *Iranian Research Institute for Information Science and Technology (IranDoc)*, 33(1), 117–160. [In Persian]

Yaghtin, M. (2023). The criteria and indicators affecting the divergence between the Iranian national ranking system and global university ranking systems. *Scientific Bi-Quarterly Scientometrics Research Journal*, 9(2), 1–22. [In Persian]

Zahed, A., Ghazavi, R., Otroj, Z., Taheri, B., Soleimanzadeh, N., & Mazaheri, E. (2013). The webometrics status of Isfahan university of medical sciences, Iran. *Journal of Isfahan Medical School*, 31(254), 1548–1559. [In Persian]

Zare Banadkouki, M., Vahdat Zad, M., Avlia, M. S., & Lotfi, M. M. (2017). Pathology of rankings systems of universities from the perspective of upstream documents of Iranian higher education. *Library and Information Sciences*, 77(1), 52–87. [In Persian]

Zolfi Gol, M. A., Shiri, M., & Bakhtiari, A. (2007). Scientometric and scientific informatics: The importance of regard to indexing principle in scientific documentation. *Rahyaft*, 39(2), 36–46. [In Persian]

